

گونه‌شناسی «جرائم ارزی» به مثابه «جرم علیه امنیت اقتصادی کشور»

مهدي مجاهد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۷

فصلنامه آفاق امنیت/ سال نهم / شماره سی و سوم - زمستان ۱۳۹۵

چکیده

گونه‌شناسی، شناخت مبانی جرم‌انگاری و آثار ارتکاب «جرائم ارزی» در امنیت نظام اقتصادی به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منابع ارزی کشور و در نتیجه، تحت تأثیر قرار دادن نرخ ارز بسیار اهمیت دارد.

برهمن اساس، ارتکاب انواع گوناگون جرائم ارزی را در وضعیتی خاص باید جرم علیه «امنیت اقتصادی» کشور دانست که قانون‌گذار نیز، برخی از مصادیق آن را احراز و مجازات‌های سنگین تعزیری، از جمله پنج تا بیست سال حبس، برای آن مقرر کرده است. اخلال در نظام ارزی و جرم ارزی منجر به اخلال در نظام صادراتی کشور، از اهم مصادیق این نوع از جرائم است، ولی مقنن در وضعیتی خاص، با اتخاذ سیاست کیفری سختگیرانه، به تشدید مجازات روی آورده است و برخی از گونه‌های این نوع از جرائم را مصداق جرم حدی «افساد فی الارض» تلقی کرده و مرتکب آن را مستحق اعدام، که شدیدترین مجازات در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران می‌باشد، دانسته است. افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام ارزی کشور، قاچاق عمده ارز، سوءاستفاده از عواید حاصل از قاچاق ارز به منظور تأمین مالی تروریسم، جعل ارز و واردات ارز جعلی از این قبیل است.

باین حال، شایان توجه است که قانون‌گذار ایران در دوره‌های مختلف، سیاست‌های کیفری گوناگونی را در قبال این دسته از جرائم به کار برده است. پس از اعمال سیاست کیفری سختگیرانه در دوره‌های نخست قانون‌گذاری، به تعدیل سیاست خود روی آورده و بار دیگر به سیاست کیفری مشدد بازگشته است؛ ولی وجه مشترک بیشتر دوره‌های تقنینی در ایران، وابستگی سیاست کیفری در قبال جرائم ارزی به سیاست‌های دولتی بوده است.

واژگان کلیدی

نظام ارزی، جرائم ارزی، امنیت اقتصادی، سیاست کیفری، افساد فی الارض



مقدمه

امنیت اقتصادی یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های امروز کشورهاست که زیربنا و بستری مناسب برای توسعه کشور است و به دنبال آن، در شرایط فقدان امنیت اقتصادی در جامعه، نارسایی‌ها و چالش‌های گوناگونی بروز می‌کند.

در پی ایجاد ناامنی در اقتصاد یک کشور، تمایل افراد به خرید دارایی‌های خارجی افزایش می‌یابد و همین امر باعث می‌شود تقاضا برای خرید ارزهای خارجی افزایش یافته و در مقابل، تقاضا برای پول داخلی کاهش یابد؛ در نتیجه، این افزایش تقاضا برای خرید ارزهای خارجی و کاهش تمایل به نگهداری پول داخلی به افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود. از این‌رو، در ایران هم یکی از محورهای اسناد بالادستی نظام، از جمله سیاست‌های کلی نظام^۱، به امنیت اقتصادی مربوط می‌شود که «نظارت، رسیدگی و قضاوت دقیق و روشن و تخصصی درباره جرائم و مسائل اقتصادی» یکی از بندهای ابلاغی است.

بنابراین، آشکار است که ارتکاب جرائم اقتصادی و شیوع آن در جامعه یکی از عواملی است که به احساس ناامنی اقتصادی منجر می‌گردد و چنانچه ابعاد آن گسترده باشد، می‌تواند افزون‌بر ایجاد احساس ناامنی، موجب از بین رفتن امنیت اقتصادی کشور شود. در این میان، «جرائم ارزی»، به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منابع ارزی کشور و در نتیجه، تحت تأثیر قرار دادن نرخ ارز، به شدت در از بین بردن امنیت اقتصادی جامعه می‌تواند مؤثر باشد.

به همین دلیل، به نظر می‌رسد که اساساً ارتکاب انواع گوناگون جرائم ارزی را در شرایطی خاص باید جرم علیه امنیت اقتصادی کشور دانست که قانون‌گذار نیز، برخی از مصادیق آن را احراز و اعلام کرده است. در چنین وضعیتی، مقنن با اتخاذ سیاست کیفری سختگیرانه به تشدید مجازات روی آورده و برخی از مصادیق این نوع از جرائم، مصادق جرم حدی «افساد فی الارض» تلقی گردیده و مرتکب آن مستحق اعدام دانسته شده است که شدیدترین مجازات در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران اسلامی به شمار می‌آید.



معناشناسی «جرائم ارزی» و اجزای «نظام ارزی»

الف- معنا و صور مختلف «ارز»

واژه «ارز» در لغت به معنای قیمت، بها و نرخ است (عمید، ۱۳۶۳: ۱۰۳). این واژه در بانکداری بین‌المللی به معنای پول خارجی است که گاه صفت «خارجی» را هم به آن می‌افزایند و به صورت «ارز خارجی» به کار می‌برند تا وجه تمایز آن را با پول ملی یا پول رایج داخل کشور معلوم کنند. واژه «سعر» نیز به معنای ارز است که در فارسی بیشتر به سیغۀ جمع، یعنی اسعار، به معنای پول‌های بیگانه به کار برده می‌شود. البته، امروزه در عرف بانکداری، ارز به معنای وسیع‌تری به کار می‌رود و در این معنا ارز به تمام اسناد تجاری و بانکی گفته می‌شود که ارزش آنها به پول‌های خارجی تعیین شده باشد. ارز در ادبیات تقنینی ایران هم افزون‌بر این عنوان، با عنوان «اسعار خارجی» و در برخی قوانین با عنوان پول یا اسکناس یا سکه یا نقود خارجی مورد اشاره قرار گرفته است. به‌طور کلی، ارز به اسناد تجارتي و بانکی گفته می‌شود که ارزش آنها به پول‌های خارجی معین شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶: ۲۹). در واقع، ارز همان پول خارجی است و تفاوت اصلی پول و ارز در خارجی یا داخلی بودن آنهاست (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۳۰). برخی نیز قائل‌اند که «همۀ ابزارهای پولی که مبین مطالبات اهالی یک کشور از کشور دیگر باشد» ارز نامیده می‌شود (مریدی، ۱۳۷۲: ۲۹)، چراکه استفاده از ارز وسیله اصلی هر کشوری برای تصفیه حساب معاملات با دیگر کشورها به شمار می‌رود. بنابراین، به نوعی می‌توان گفت «تمام وسایلی که به منظور پرداخت‌های پولی بین‌المللی استفاده می‌شود (نظیر سکه و اسکناس خارجی، سپرده‌ها در بانک‌های خارجی و دیگر مطالبات مالی کوتاه‌مدت و قابل پرداخت به پول‌های خارجی) ارز نامیده می‌شود» (فرجی، ۱۳۷۷: ۴۱۵). در عین حال، باید توجه داشت که حمایت کیفری از ارز ناظر به پول رایج خارجی است؛ اعم از اینکه در داخل کشور ایران یا در خارج از کشور رایج باشد؛ منظور پول‌های بیگانه‌ای است که در کشور خرید و فروش می‌شوند. از این رو، پول‌های غیررایج خارجی و نیز اسکناس رایج داخلی منصرف از این موضوع است. البته، باید توجه داشت که منظور از ارز فقط اسکناس منتشر شده توسط بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف نیست، بلکه این اصطلاح، در مفهوم عام چک، حواله، برات، سفته و دیگر ابزارهای مالی که در پرداخت‌های بین‌المللی استفاده می‌شود، به کار می‌رود؛ چراکه در عمل نیز مبادلات بین کشورها تنها با اسکناس ارزی صورت نمی‌گیرد و محدود کردن ارز فقط به اسکناس رایج کشورها، مبادلات بین‌المللی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. انواع چک‌های بانکی ارزی، ضمانت‌نامه‌های بانکی ارزی، اوراق قرضه ارزی و ... از اقسام مختلف اسناد و اوراقی است که می‌تواند به‌عنوان ارز تحت حمایت نظام کیفری قرار گیرد.



قانون گذار نیز در برخی قوانین^۱ به انواع ابزارهای ارزی اشاره کرده و دارایی‌های ارزی را احصا نموده است. بنابراین، منظور قانون گذار از «ارز»، وسایل و روش‌های معتبر و به رسمیت شناخته شدهٔ پرداخت در معاملات بین‌المللی است که لزوماً یک عین مادی نیست، بلکه گاه اعتباری نیز می‌باشد. اما آنچه حائز اهمیت است، «رایج» بودن ارز است. از این‌رو، ارزهای غیر رایج کشورها تحت حمایت نظام کیفری قرار ندارند، چراکه ارزش پولی-بانکی ارز تنها ناظر به ارز «رایج» خارجی است.

هم‌اکنون نیز، براساس بند پ مادهٔ یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، ارز عبارت است از «پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و دیگر اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد».

ب. تعریف «نظام ارزی» و عناصر شکل‌دهندهٔ آن

اصطلاح «نظام» از دیدگاه علوم گوناگون تعریف‌شدنی است و تعریف واحدی برای آن نمی‌توان قائل شد. برخی قائلند «نظام مجموعه عناصری است که میان آن روابطی وجود داشته یا بتواند ایجاد شود» (نمازی، ۱۳۸۲: ۷).

«نظام ارزی» نیز از جمله مفاهیمی است که در ادبیات اقتصادی کاربرد دارد و معمولاً در کنار «نظام پولی» به‌عنوان جزئی از «نظام اقتصادی» تعریف می‌شود. «نظام اقتصادی مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی است که در بطن آنها برخی وسایل فنی سازمان‌یافته و به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر و به منظور برقراری تعادل اقتصادی استفاده شده است» (ژوزف، ۱۳۵۵: ۱). به‌عبارت‌دیگر، «روشی است که جامعه ترجیح می‌دهد در حیات اقتصادی و در حل معضلات عملی خویش از آن پیروی کند» (صدر، ۱۳۵۸: ۸).

روابط پولی یا ارزی یا، در عبارت کلان‌تر، نظام پولی و ارزی، بخش حیاتی و ضروری نظام اقتصادی است و امنیت و سلامت این بخش به صحت روابط اقتصادی کمک بسیار زیادی می‌کند و درمقابل، نقض هنجارهای پولی و ارزی برای روابط تجاری و اقتصادی کشور بسیار خطرناک است (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

نظام پولی و ارزی کشور یکی از مهم‌ترین عوامل ثبات اقتصادی و مالی در هر کشوری محسوب می‌شود. دولت‌ها زمانی می‌توانند سیاست‌های مالی و اقتصادی پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه‌ای خود را به مرحلهٔ اجرا در آورند که نظام پولی و ارزی ثبات داشته باشد. اخلال در نظام ارزی موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود و سیاست‌های توسعه‌ای را مختل می‌کند (ساکمی، ۱۳۹۰: ۳۴۵).

۱. از قبیل بند یک مادهٔ اول قانون «اجازهٔ تفتیش و نظارت در خریدوفروش اسعار خارجی» مصوب ۱۳۰۸، تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۱ قانون راجع به معاملات اسعار خارجی مصوب ۱۳۱۴ و مادهٔ ۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱.



با این ملاک‌ها شاید بتوان گفت نظام ارزی عبارت است از: مجموعه‌ای از نهادهای مختلف حقوقی که به منظور رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، با استفاده از ابزارهای ارزی معین، می‌کوشند (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۰).

ج. تعریف «نرخ ارز» و پیشینهٔ تقنینی آن

«نرخ ارز»^۱ قیمتی است که در آن قیمت می‌توان پول ملی را با پول کشورهای دیگر مبادله کرد. به عبارت دیگر، نرخ ارز بیانگر ارزش برابری پول داخلی نسبت به پول خارجی است. از این رو، افزایش نرخ ارز^۲ به معنای گران تر شدن پول خارجی نسبت به پول داخلی است و در این صورت، معادل با عبارت کاهش ارزش نرخ ارز^۳ است (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷: ۷). قانون‌گذار ایران در قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ مصوب سال ۱۳۸۳ در مادهٔ ۴۱ دولت را موظف کرد تا، به منظور کنترل نوسانات شدید نرخ ارز، در قالب مدل «نرخ شناور مدیریت شده»، اقدام کند و مادهٔ ۸۱ قانون برنامهٔ پنجم توسعه نیز بار دیگر نظام ارزی کشور را «شناور مدیریت شده» خواند که با انتخاب این شیوه نیز در عمل مقنن سیاست‌گذاری در این بخش را، به صورت مبسوط‌الید، به دولت سپرد.

د. تعریف «جرم ارزی» و تبیین ماهیت فقهی-حقوقی آن

اصطلاح جرائم ارزی را می‌توان شامل جرائمی دانست که نخست، موضوع جرم ارتكابی «ارز» بوده، یعنی «ارز» به عنوان جزئی از رکن مادی جرم باشد؛ دوم، قانون‌گذار در تعیین مجازات برای مرتکب این جرم، به دلیل موضوعیت «ارز»، رویکرد خاصی را در پیش گرفته باشد. به عنوان مثال، ارتکاب جرم اختلاس از یک بانک دولتی ممکن است از منابع ارزی آن بانک صورت گیرد و عنوان اختلاس ارزی به آن تعلق گیرد، اما از آنجاکه مقنن برای اختلاس ارز، هیچ رویکرد متفاوتی نسبت به اختلاس از منابع ریالی اتخاذ نکرده است؛ بنابراین، جرم به عنوان جرم ارزی شناخته نمی‌شود، مگر آنکه این جرم ویژگی‌های دیگری داشته باشد که از ذیل این عنوان خارج و مثلاً، ذیل عنوان اخلال در نظام ارزی کشور از طریق اختلاس کلان ارزی از شبکهٔ بانکی کشور قرار گیرد! لکن، اقداماتی مثل نقل و انتقال غیرمجاز ارز از کشور، که به موجب بند الف مادهٔ ۴۲ قانون پولی بانکی کشور و قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز واجد هر دو وصف یادشده می‌باشند، مصداقی از جرائم ارزی است (عازمی صمیمی، ۱۳۷۴: ۱۴).

1 .Exchange Rate.
2 .Appreciation.
3 .Depreciation.

پیش‌تر برخی از محاکم، براساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مجازات‌های مقرر برای جرائم ارزی را «تعزیری» و برخی دیگر «بازدارنده» می‌دانستند و همین مبنا، موجب اختلاف‌نظر در شمول آثاری مثل «مرور زمان» بود. تا اینکه اختلاف آرای صادره از سوی محاکم، به صدور رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور منجر گردید^۱ و مجازات این نوع از جرائم را بازدارنده دانست (اصغرزاده بناب، ۱۳۹۱: ۱۶۵). این در حالی است که قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اساساً مجازات‌ها را به چهار نوع تقسیم کرده و قسم مجازات‌های «بازدارنده» را یکی از شقوق مجازات‌های تعزیری دانسته است. بنابراین، ماهیت جرائم ارزی براساس قانون اخیر، «تعزیری» است. همه این مباحث در حالی مطرح است که فرض «حدّ»ی بودن برخی از جرائم ارزی نیز تصوّرپذیر است. شقوق مطرح در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ می‌تواند از مصادیق افساد فی الارض و یک جرم «حدّ»ی باشد.

تحولات سیاست کیفری ایران در حمایت از «ارز»

الف. اعمال سیاست کیفری سخت‌گیرانه

برای نخستین بار، قانون‌گذار ایران در قانون «اجازه تفتیش و نظارت در خریدوفروش اسعار خارجی به‌وسیله کمیسیون نرخ اسعار»^۲ مفهوم ارز را در معنای عام خود، «اعم از نقود فلزی یا کاغذی خارجی، اعم از اینکه به طریق انتقال تلگرافی یا طریق دیگر، به شکل برات تجارتي یا نوشته اعتبار یا چک یا هر نوع اوراق تجارتي دیگر» تعریف کرده و مصادیق معاملات غیرمجاز ارزی را به تفصیل برشمرد و برای این ضوابط، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت. گرچه در سال‌های بعد ضمن اصلاح قوانین سابق،^۳ رویکرد سختگیرانه خود را اندکی تعدیل نمود و برای متعهدین ارزی معافیت‌هایی در نظر گرفت؛^۴ لکن، حمایت کیفری از نظام ارزی کشور را استمرار بخشید.

قانون‌گذار با تصویب قانون راجع به معاملات اسعار خارجی در سال ۱۳۱۴ نیز نسبت به تشدید قوانین و محدودیت‌های ارزی اقدام نمود؛ از جمله اینکه رسیدگی به تخلفات ارزی را در صلاحیت دادگاه‌های تهران قرار داده بود.

۱. رأی شماره ۶۷۸ ردیف ۸/۸۳ تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۸.

۲. مصوب اسفند ۱۳۰۸ شمسی.

۳. در قالب قانون راجع به آزادی معامله و نرخ اسعار خارجی مصوب ۱۳۱۰ هجری شمسی و در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در قالب قانون راجع به معاملات اسعار خارجی.

۴. قانون اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی و اجازه وضع مقررات جدید در قسمت اسعاری مصوب ۱۳۱۲ شمسی.



ب. تعدیل سیاست کیفری در قبال جرائم ارزی

قانون گذار با تصویب قانون اعطای اختیارات مصوب ۱۳۳۱ به کاهش برخی مجازاتهای مصوب درباره تخلفات ارزی صادرکنندگان مبادرت ورزید که به نظر میرسد تحت تأثیر تحولات اقتصادی آن دوران و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی کشور بوده است. در پی آن، لایحه قانونی تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی خارجی تصویب شد و در بهمن ۱۳۳۱ لایحه قانونی متمم لایحه قانونی تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی به تصویب رسید و در ادامه برای ایفای تعهدات ارزی، مهلت جدیدی برای صادرکنندگان مقرر شد.^۱

قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۱۳۳۶، مهمترین قانونی است که درباره معاملات ارزی تا قبل از تأسیس بانک مرکزی تصویب شد. قانون یادشده و آئین نامه اجرایی آن، هنوز هم جهت تعقیب متخلفان ارزی توسط مراجع قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مواد پنج و هفت این قانون از مهمترین مواد آن هستند که هم اکنون تکالیف صادرکنندگان کالا به خارج از کشور را تعیین می‌کنند. در ماده هفت این قانون تکلیف وضعیت مال حاصل از جرم نیز افزون بر مجازات مشخص شده است.

ج. وابستگی سیاست جنایی به سیاست‌های دولتی

بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد و وظایف گوناگونی که در زمینه مسائل ارزی برعهده بانک ملی بود، برعهده آن بانک گذاشته شد. توسعه صنعت و اقتصاد و افزایش مبادلات بین‌المللی و افزایش شیوه‌های مختلف انتقال ارز و به تبع آن ایجاد تعهدات، ارزش و لزوم برخورد با اشخاصی که تعهدات ارزی خود را اجرا نمی‌کردند، نیازمند وضع قانونی بود که زمینه برخورد کیفری با متخلفان ارزی را فراهم کند. به همین منظور، قانون گذار با ایجاد تغییرات در قانون پولی بانکی مصوب ۱۳۳۹ و اصلاح آن به تصویب قانون پولی بانکی مصوب ۱۳۵۱ مبادرت ورزید که با اصلاحیه‌های بعدی آن، تا به امروز حاکم بوده و قانون اصلی در این حوزه است. این قانون، ضمن تشریح مصادیق داری‌های ارزی، در ماده ۱۱ به صراحت مسئولیت سیاست‌گذاری و نظارت بر نظام ارزی کشور را برعهده بانک مرکزی می‌گذارد و در ماده ۴۲۲ نیز ضمانت اجرای کیفری این سیاست‌ها را تعیین می‌کند.

۱. لایحه قانونی تشویق صادرات و تولید مصوب ۱۳۳۷/۱۱/۲۳.

۲. «خریدوفروش ارز یا هرگونه عملیات بانکی که به انتقال ارزی یا تعهد ارزی منجر گردد یا ورود یا خروج ارز یا پول رایج کشور که بدون رعایت مقرراتی که بانک مرکزی به موجب ماده ۱۱ این قانون وضع می‌کند، صورت گیرد ممنوع بوده و متخلفان جزای نقدی تا معادل پنجاه درصد مبلغ موضوع تخلف محکوم خواهند شد.»

پس از وقوع انقلاب در ایران نیز قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ در ماده شش، بدون جرم‌انگاری مشخص و در واقع، بدون تعیین عنصر مادی جرم، به طور کلی بیان کرد؛ در خصوص «ارز» هر اقدامی که خلاف مقررات اعلامی از سوی بانک مرکزی باشد، مصداق قاچاق ارز است که درستی این نوع از تقنین و احاله امر به تصمیم یک مرجع دولتی محل تردید جدی است.

بالاخره اینکه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ بازنگری و به تصویب مجلس رسید. لکن، از حیث رویکرد سیاست جنایی، تفاوتی نسبت به قانون پیشین مصوب ۱۳۷۴ ایجاد نشد و همچنان تعیین عنصر مادی جرم قاچاق ارز به دولت واگذار گردید. بنابراین، پرواضح است که سیاست جنایی تقنینی ایران در این زمینه کاملاً به تصمیمات و سیاست‌های دولت وابسته است.

د. دوران بازگشت به سیاست کیفری مشدد

پس از انقلاب در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، جعل اسکناس رایج خارجی جرم تلقی شد و چند سال بعد نیز، در پی نابسامانی‌های اقتصادی که در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی بر کشور حاکم شده بود و عده‌ای از این وضعیت برای ضربه زدن به نظام اقتصادی کشور سوءاستفاده می‌کردند، مجازات شدیدتری برای این جرم مقرر گردید.^۱ از آنجا که بخش عمده‌ای از جرائم ارزی مصادیقی هستند که مستقیم نظام اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در واقع، بزه دیده این نوع از جرائم در سطوح کلان، خود نظام اقتصادی کشور است؛ بنابراین، مقنن در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ نیز، نظام ارزی کشور را مورد حمایت قاطع کیفری قرار داد و تحت شرایطی برای مجرمان ارزی، مجازات مفسد فی الارض را پیش‌بینی نمود. این برای نخستین بار بود که مفهوم «مفسد اقتصادی» و بالتبع، «مفسد ارزی» با مجازات حدی اعدام، در ادبیات تقنینی کشور وارد شد.

۱. قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸ شمسی.



مبانی جرم انگاری جرائم ارزی

مبنا در هر نظام حقوقی اصل یا اصولی است که قوانین و مقررات آن نظام، مشروعیت و لزوم اجرای خود را از آنها به دست می‌آورد. هر نظام حقوقی، مبنا یا مبانی خاصی را برای قواعد حقوقی خود معرفی می‌کنند، مانند نظم اجتماعی، اصل تعاون، آزادی، حفظ قدرت یا مصلحت گروه یا طبقه خاص یا وجدان عمومی و مانند آنها (نورزاد، ۱۳۸۹: ۲۲۰).

الف- مبناى فقهی

۱. قاعده لاضرر- یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه، مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می‌شود، قاعده «لاضرر» است که مستند بسیاری از مسائل فقهی می‌باشد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است.

در میان دیدگاه‌های گوناگون فقهی مطرح شده در تبیین این قاعده، امام خمینی رحمه الله علیه معتقد است که «لا» در روایت، ناهیه است و در معنای مجازی استعمال شده، یعنی نباید کسی به دیگری ضرر بزند و این نهی را نهی حکومتی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۵: ۴۰).

در این دیدگاه، مفهوم «لاضرر و لاضرار» نهی از اضرار است. بنابراین، معنای روایت این می‌شود که پیامبر خدا (ص)، به‌عنوان رهبر جامعه و حاکم اسلامی، مردم را از هرگونه زیان‌رسانی به دیگران باز میدارد و بر دیگران، پیروی از دستور وی واجب است (خمینی، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۵).

براساس همین مبناست که در حقوق موضوعه هم مجازات‌هایی که برای جرائم ارزی در نظر گرفته شده از نوع مجازات‌های بازدارنده و تعزیری است و مقررات مربوط به این حوزه توسط حکومت و به‌عنوان مقررات حکومتی وضع می‌گردد؛ چراکه بی‌شک، ارتکاب جرائم ارزی هم مانند دیگر جرائم، به ایراد ضرر منجر می‌شود. این ضرررسانی یا به‌طور مستقیم شامل افراد جامعه می‌شود یا موجب آثار سوء در نظام کلان اقتصادی جامعه می‌گردد که آثار ضرری آن نیز متوجه آحاد جامعه است که به طریق اولی، از حیث قبح عمل از مصادیق نهی قاعده لاضرر قرار می‌گیرد.

۲. حرمت اکل مال بالابطال- موضوع «اکل مال به باطل» و «درآمدهای نامشروع» و برخورد شدید خداوند با آن، در آیات گوناگونی از قرآن^۱ آمده است. «اکل مال» در اینجا کنایه از «تملك و تصرف» اموال دیگران به ناحق است. باطل، از ریشه بطل، به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق است. هر چیزی که حق نباشد، باطل خواهد بود. بنابراین،

۱. آیات ۲۹ نساء، ۱۸۸ بقره، ۱۶۱ نساء، و ۳۴ توبه.

باطل، محدود و منحصر به موارد خاص نیست، بلکه مفهوم وسیع و عامی دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و انفال و حتی تصرفات ناروا و غیر مشروع در اموال خویش را دربرمی‌گیرد. از دیدگاه اسلام، هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید براساس حق و عدالت و بر مبنایی صحیح صورت گیرد و هرچه غیر از این باشد، حرام و باطل است. (<http://www.tahoor.com>)

با دقت در این مسئله و نیز تتبع در مواردی که فقیهان بر حرمت و بطلان آن به آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» تمسک کرده‌اند، درمی‌یابیم که بطلان و حرمت درآمدی، به اموری از قبیل نداشتن منفعت حلال و مالیت، تضییع حقوق دیگران، زبان‌آوری، فریب‌کاری، مالی که از طریق تضعیف نظام اسلامی به دست آید و ... محقق می‌شود. علامه طباطبایی، امام خمینی (ره) و شیخ انصاری از جمله فقیهانی هستند که برای بطلان در این آیات، مفهوم عام قائلند و آن را شامل انواع درآمدهای ناروا می‌دانند. بنابراین، عموم آیات و روایاتی که بر حرمت معاملات و کسب غیرمشروع دلالت دارد، دربارهٔ مورد جرائم ارزی نیز می‌تواند مصداق داشته باشد.

ب. مبنای اقتصادی - اجتماعی

ارز، مهمترین ابزار پولی برای مبادلات اقتصادی در خارج از کشور است و بدون آن، هیچ کشوری قادر به ادامهٔ حیات اقتصادی در سطح بین‌المللی نیست. نظام اقتصادی ایران هم به‌عنوان یک کشور در حال پیشرفت، همواره وابستگی شدیدی به واردات کالا و خدمات از دیگر کشورهای جهان داشته و ابزار مبادلات بین‌المللی هم، پول‌های رایج خارجی، از جمله دلار و یورو، بوده است. بنابراین، دولت، تجار و بازرگانان بخش خصوصی، همواره برای پرداخت مابازای کالا و خدمات خریداری شده از خارج، به تأمین «ارز» مورد نیاز خود نیاز مبرم داشته‌اند. به همین دلیل، کمترین نوسان در «میزان» و «نحوه» عرضه و تقاضای ارز در بازار، «نظام اقتصادی» کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بیشتر موارد هم، عکس‌العمل قانون‌گذار در مقابل بزهکاران ارزی، مبتنی بر حمایت از نظام اقتصادی کشور است. بنابراین، مبنای اقتصادی - اجتماعی جرم‌انگاری جرائم ارزی از سه جهت بررسی پذیر است: نخست، حمایت از نظام اقتصادی کشور؛ دوم، حمایت از معیشت مردم و سوم، حفظ نظم عمومی جامعه.



ج. مبنای سیاسی - امنیتی

در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا اواخر قرن بیستم، به‌ویژه طی دوران جنگ سرد، امنیت کشورها در مقابل تهدیدات خارجی مهمترین دغدغه موجود بوده و حوزه های امنیت نظامی و سیاسی بیش از امنیت اقتصادی مورد توجه بوده است. با پایان یافتن جنگ سرد و شکل‌گیری روابط جدید در نظام بین‌الملل، اولویت‌های امنیتی دستخوش تحول شد و امنیت اقتصادی به‌عنوان مهمترین شاخص امنیت ملی مطرح گردید؛ به‌طوریکه، فراهم کردن بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورها، بدون وجود امنیت اقتصادی، میسر نیست (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷: ۸).

بی‌شک، در جهان امروز تأمین امنیت اقتصادی و حفظ سلامت روابط مالی و اقتصادی اشخاص و نهادها، مهمترین شالوده امنیت هر جامعه است، زیرا تأمین زیرساخت‌های اقتصادی، متناسب با رشد و توسعه اقتصادی هر جامعه، یکی از عوامل اقتدار ملی است (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

وابستگی شدید اقتصاد کشور به امر صادرات و واردات، اهمیت نظام ارزی و لزوم حمایت نظام کیفری از آن را دوچندان کرده است. بنابراین، جرم‌انگاری جرائم ارزی نه تنها حائز اهمیت سیاسی است و می‌تواند در جابه‌جایی قدرت در درون نظام سیاسی کشور مؤثر باشد، بلکه اهمیت ثبات، اقتدار و کارآمدی نظام ارزی کشور در حدی است که اخلال در آن می‌تواند تهدید علیه امنیت ملی تلقی گردد.

جرائم در دو صورت ممکن است جنبه امنیتی به خود بگیرند؛ نخست، زمانی که در سطح کلان و گسترده و به صورت سازمان‌یافته انجام شود و دوم، زمانی که به قصد اخلال در نظام اقتصادی کشور یا قصد مقابله با نظام سیاسی و براندازی آن انجام شود. بنابراین، مبنای جرم‌انگاری جرائم ارزی در حالت نخست، حمایت از آحاد جامعه و حفظ امنیت شهروندان است و در حالت دوم، حفظ قدرت و نظام سیاسی کشور. ازاین‌رو، به حفظ نظام سیاسی حاکم و صیانت از امنیت شهروندان، به‌عنوان دو مبنای سیاسی امنیتی در جرم‌انگاری جرائم ارزی، جداگانه توجه می‌شود.

انواع جرائم ارزی علیه «امنیت کشور»

امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند (برومند، ۱۳۸۷: ۲۵).

وجود ناامنی اقتصادی در یک کشور، نه تنها باعث می‌شود که اعتماد بخش خصوصی به نظام بانکی کاهش یابد، بلکه سبب کاهش تمایل عاملان اقتصادی به فعالیت در بخش‌های مولد می‌شود. به عبارت دیگر، به دلیل افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، میزان سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در بخش‌های مولد، کاهش می‌یابد؛ چراکه در این حالت معمولاً فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بخش بازرگانی، دلّالی و واردات قاچاق روی می‌آورند. نتیجه این وضعیت، کاهش سرمایه‌گذاری در امر خرید وسایل و ابزار تولید کاهش میزان تولید نسبت به تقاضا و کاهش میزان اشتغال است (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

در پی ایجاد ناامنی در اقتصاد یک کشور، تمایل افراد به خرید دارایی‌های خارجی افزایش می‌یابد و همین امر باعث می‌شود تقاضا برای خرید ارزهای خارجی افزایش یافته و در مقابل، تقاضا برای پول داخلی کاهش یابد. این وضعیت، به دلیل محدودیت ذخایر ارزی بانک مرکزی بالاجبار، کاهش ارزش پول ملی را در پی خواهد داشت. بنابراین، ناامنی اقتصادی به کاهش ارزش پول داخلی منجر می‌شود. همین امر باعث می‌شود که ذخایر محدود ارزی در مسیر تأمین مالی واردات سرمایه‌ای تخصیص نیابد. در این صورت، ارزش خارجی کاهش یافته و با کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، رشد اقتصادی هم کاهش می‌یابد (کمیحانی، ۱۳۷۳: ۵).

بنابراین، آشکار است که ارتکاب جرائم اقتصادی و شیوع آن در جامعه، یکی از عواملی است که به احساس ناامنی اقتصادی منجر می‌شود و در این میان، به دلایل مشروح پیش‌گفته، جرائم ارزی به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منابع ارزی کشور و در نتیجه، تحت تأثیر قراردادن نرخ ارز، به شدت در از بین بردن امنیت اقتصادی جامعه می‌تواند مؤثر باشد.

بر همین اساس، ارتکاب انواع مختلف جرائم ارزی را در شرایطی خاص، باید جرم علیه امنیت اقتصادی کشور برشمرد که قانون‌گذار نیز برخی از مصادیق آن را احراز و اعلام کرده است.



الف. اخلال در نظام ارزی کشور

در بند الف ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع کردن عمده آنها، اعم از داخلی و خارجی و امثال آن»، یکی از شقوق اخلال در نظام اقتصادی کشور محسوب شده است. عنوان مجرمانه یادشده، باتوجه به عنوان قانون، که به نظام اقتصادی کشور اشاره کرده، به لحاظ نصی و ظاهری مهمترین جرم اقتصادی در حوزه پول و ارز است. بند یادشده از دو جهت بحثبرانگیز است: نخست، اینکه به جرم‌انگاری وابسته یا لایه‌ای دست زده است که براساس آن تحقق جرم اخلال، وابسته به تحقق رفتارهای دیگری است که طبق قوانین کیفری موجود، جرم هستند. به عبارت دیگر، آن رفتارها لایه‌های جرم اخلال را تشکیل می‌دهند؛ دوم، اینکه طرق تحقق اخلال به صورت تمثیلی بیان شده است. بنابراین، رفتارهایی که به اخلال منجر می‌شوند باید از سنخ مصادیق بیان شده و با محوریت پول و ارز باشند (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

البته، نگارنده معتقد است فروضی نیز قابل تصور است، که جرم اخلال با ارتکاب رفتارهایی محقق شود که حتی در قوانین موجود، این رفتارها جرم‌انگاری نشده و این رفتارها به تنهایی فاقد وصف مجرمانه باشند؛ چراکه، بخش اخیر بند الف ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، با قید و امثال آن، به تمثیلی بودن مصادیق مورد اشاره در متن ماده، تصریح کرده است و چنانچه استدلال شود که «مماثلت» دلخواه قانون‌گذار در این ماده، از حیث واجد «وصف مجرمانه» بودن رفتارها هم باید باشد، در پاسخ می‌توان گفت که لفظ «امثال آن» اشاره به مصادیق تمثیلی در متن ماده دارد. این مصادیق، هم شامل رفتارهایی است که وصف مجرمانه مستقل دارند، از جمله «قاچاق ارز، ضرب سکه قلب و جعل اسکناس» و هم شامل رفتارهایی است که به موجب هیچ‌کدام از قوانین موجود به‌طور مستقل و به صورت مطلق، جرم شناخته نشده‌اند، از جمله «واردات و توزیع نمودن ارز».^۱ در ضمن، از آنجاکه سیاست‌گذاری در حوزه ارزی به موجب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نیز قانون پولی بانکی کشور در اختیار دولت است، ممکن است در دوره‌های مختلف دچار تغییر و تحولاتی گردد و گاه الزامات و اقتضائات متفاوتی داشته باشد؛ از این‌رو، هر کدام از این رفتارهای بیان شده در متن ماده و نیز امثال آن ممکن است در یک دوره‌ای جرم تلقی شوند و در دوره‌ای دیگر فاقد وصف مجرمانه باشند.

۱. گرچه ممکن است رفتارهای «وارد کردن و توزیع عمده» را عطف به «جعل اسکناس» بدانیم و بپذیریم که منظور مقنن از قسمت اخیر این بند از قانون، صرفاً اشاره به «واردات و توزیع عمده اسکناس جعلی»، اعم از داخلی یا خارجی (ارز)، بوده است؛ لکن، در هر صورت، باتوجه به قید «وامثالهم» در پایان این بند، تفاوتی در نتیجه نمی‌کند و این قانون هرگونه رفتاری که منجر به اخلال در نظام ارزی کشور شود را شامل می‌گردد.

از این رو، با پذیرش تخصیص لفظ عام «امثال آن» تنها به رفتارهای دارای وصف مجرمانه، در عمل اثبات جرم «اخلال در نظام ارزی کشور» ممکن نخواهد بود. حال آنکه در موارد متعددی، تحقق اخلال در نظام ارزی کشور از طریق رفتارهایی که ممکن است جرم‌انگاری هم نشده باشد، تصورشدنی است.

پس، جرم موضوع این قانون، وصف مجرمانه‌ای مستقل از دیگر قوانین دارد. چنانچه عنصر مادی جرم را متشکل از سه بخش «رفتار فیزیکی، شرایط تحقق جرم و نتیجه مجرمانه» بدانیم، در این صورت، باید گفت: رفتارهایی مانند قاچاق عمده ارز (رفتار فیزیکی)، چنانچه به اخلال در نظام ارزی کشور (نتیجه مجرمانه)، به صورت عمده یا غیر عمده (شرایط تحقق جرم)، منجر شوند، مشمول این قانون می‌باشند؛ چراکه به دلیل متعددی بودن مصدر «اخلال»، این رفتار این نتیجه را هم در پی دارد و اخلال در نظام ارزی جرمی مقید به نتیجه است. پس چنانچه رفتارهای مندرج در متن ماده و امثال آن، به «اخلال» منتج نشوند، جرمی مطلق و مشمول دیگر قوانین کیفری هستند؛ مگر آنکه اساساً جرم نباشند و چنانچه منتج به «اخلال» شوند، مشمول قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی می‌شوند. گفتنی است که رفتار و نتیجه در اخلال ادغام شده است، و گرنه اخلال در اصل، رفتار است و مختل، نتیجه، که به دلیل یکپارچگی این دو باید گفت که جرم مورد بحث، مقید به نتیجه مجرمانه شده است.

با این برداشت از عنصر مادی این جرم، جرم اخلال در نظام ارزی کشور در زمره «جرائم مرکب» به‌شمار می‌رود. بنابراین، نمی‌توان آن را مشمول تعدد مادی دانست. چون مرتکب، یک رفتار انجام داده است که به‌عنوان مثال، واردات ارز جعلی به داخل کشور بوده است و به دلیل نحوه ارتکاب و شرایط اقتصادی کشور، به اخلال در نظام ارزی منجر شده است. در ضمن، مصداق تعدد معنوی هم نیست، چون رفتار مرتکب، تنها مشمول عنوان مجرمانه «اخلال» است.

آنچه در عنوان قانون به‌واژه «کشور» از آن یاد شده، بیان‌کننده گستردگی و کلان بودن مفهوم اخلال در نظام ارزی است و به نظر می‌رسد که کشور در اینجا در مفهوم اعتباری است نه در مفهوم واقعی (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۳۲). بنابراین، به‌عنوان مثال، اگر جعل اسکناس رایج خارجی در یکی از استان‌های کشور صورت گیرد و به صورت عمده، صرفاً در سطح یک استان توزیع گردد، تحقق جرم اخلال تصورپذیر است، زیرا در اینجا این مقدار از عمل، جنبه گستردگی و کلان بودن را دارد (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).



در این میان، آنچه حائز اهمیت است، ایجاد اختلال در نظام ارزی و سیاست‌های ارزی کشور می‌باشد که به موجب ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، چهارچوب‌های آن توسط بانک مرکزی و با تصویب شورای پول و اعتبار، تعیین و اجرا می‌گردد و از این حیث، اساساً محل وقوع جرم و گستره جغرافیایی ارتکاب جرم اهمیتی ندارد، بلکه رفتار ارتكابی، بایستی به نحوی در «فرآیند تحقق اهداف دولت در نظام ارزی کشور از طریق اعمال سیاست‌ها و روند اجرای قوانین و مقررات مصوب و ابلاغی بانک مرکزی در حوزه «ارزی»^۱ ایجاد اختلال نماید؛ اعم از آنکه اختلال عمده یا غیر عمده باشد و به قصد خاص مقرر در این قانون باشد یا نباشد؛ چراکه حتی ممکن است بانک مرکزی، سیاست‌های ارزی خود را از طریق انجام دادن عملیات ارزی در خارج از کشور اعمال نماید، لکن به دلیل تأثیرگذاری در نرخ ارز در ایران، تحت حمایت نظام کیفری ایران قرار خواهد داشت. به‌عنوان مثال، در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ بانک مرکزی تصمیم گرفت به منظور کنترل نرخ ارز در بازار داخل، در بازار کشور امارات (شهر دبی) اقدام به توزیع ارز کند که در خصوص توجیه این کار در دوران تحریم، اعلام می‌دارد: «از اواسط مهر ۱۳۸۹ با قطع یکجانبه نقل و انتقالات ارزی از سوی امارات، که در آن زمان بیش از ۶۰ درصد از حجم روابط تجاری با ایران را تشکیل می‌داد، جریان فشارهای ناشی از تحریم‌ها آغاز شد. با آسیب‌شناسی و بروز شواهد آماری از فرار سرمایه از کشور، به ویژه از مناطق آزاد، به امارات، فشار همزمان تجار و سوداگران در امارات برای تأمین درهم با استفاده از ریال ایران و شکل‌گیری نرخ ارز در آن کشور، به طوری که منشأ نوسانات، از نرخ برابری درهم/ریال در امارات تشخیص داده شد؛ از اینرو، به منظور کاهش نرخ ارز در بازار غیر رسمی، ناچار به استفاده از ظرفیت صرافی‌های امارتی و بانک‌های ایرانی در امارات برای مداخله ارزی شدیم.»^۲

پس، ایجاد اختلال در سیاست‌های ارزی منطقه‌ای و استانی بانک مرکزی هم می‌تواند مصداق جرم موضوع این قانون باشد و ضرورتی ندارد که این سیاست‌ها متعلق به سراسر کشور باشد.

بنابراین، هرگونه اختلال در نظام ارزی کشور می‌تواند دارای آثار سوء و لطمات جبران‌ناپذیری در نرخ ارز و بالتبع، نظام اقتصادی کشور باشد و امنیت اقتصادی نظام را دچار مخاطره کند. از اینرو، این جرم یکی از مصادیق اتم جرم علیه امنیت اقتصادی کشور قلمداد می‌شود.

۱ . مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی.

۲ . گزارش شماره ۱۱/۳۱۳۵۲۵ تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ در پرونده کیفری کلاسه ۹۱۰۰۹۳.

یکی دیگر از ابهاماتی که در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور وجود داشت، مفهوم «اخلال» بود که در هیچ قانونی تعریف نشده است. از آنجا که عمده جرائم مندرج در این قانون مقید به نتیجه هستند و نتیجه مدنظر قانون گذار هم، «اخلال» در یکی از ارکان نظام اقتصادی، از جمله نظام ارزی کشور، است؛ بنابراین، وجود شبهه در مفهوم اخلال هم از دیگر مواردی است که علی‌الاصول می‌توانست اساساً اثبات این جرم را منتفی سازد. با تعریف مندرج در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تا حدود زیادی این مشکل مرتفع شده است.

به موجب این قانون، «ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی» یکی از نتایجی است که برای اثبات این جرم کافی است، گرچه مفهوم «عمده» تفسیرشدنی است و می‌تواند محل مناقشه باشد، لکن، احراز ایراد خسارت به اموال عمومی و خصوصی نسبت به مفهوم اخلال، در ادبیات حقوقی و اقتصادی، فهم‌پذیرتر است.

ب. جرم ارزی منجر به اخلال در نظام صادراتی کشور

قانون گذار در بند «و» ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، «اقدام باندی و تشکیلاتی برای اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت، از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیة آن» را یکی از مصادیق جرم اخلال در نظام اقتصادی تلقی کرده و برای شقوق مختلف آن کیفر تعیین کرده است.

نکاتی که درباره این جرم گفتنی است عبارت‌انداز:

۱) اقدام باندی و تشکیلاتی: از حیث قانونی، ارتکاب این جرم به صورت انفرادی تصورشدنی نیست. قانون‌گذار در ابتدای این بند، شرط تحقق آن را ارتکاب به صورت باندی و تشکیلاتی دانسته است. پیش از این، تعریف روشنی از اقدام باندی در قانون وجود نداشت؛ لکن، قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲، در قانون مجازات اسلامی، «گروه مجرمانه» را تعریف کرد و به نظر می‌رسد منظور از «اقدام باندی و تشکیلاتی» همان اقدام در قالب یک گروه مجرمانه باشد. در تبصره یک ماده ۱۳۰ این قانون آمده است:

«گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.» بنابراین، یکی از ارکان تحقق سازمان‌یافتگی هم این است که گروه به قصد ارتکاب جرم تشکیل شده یا بعداً هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف شده باشد، گرچه مهم



نیست اجتماع و تبانی افراد موضوع این ماده برای ارتکاب چه جرمی باشد، ولی ناگزیر، در تحقق جرم موضوع بند «و» ماده یک قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، می‌بایست حداقل بین سه نفر از اعضای گروه برای ارتکاب جرم علیه نظام صادراتی کشور، تبانی و مواضع و وحدت قصد وجود داشته باشد و این قصد به اقدام عملی نیز منجر شده باشد. در این صورت، اقدام باندی مدنظر قانون‌گذار محقق خواهد بود. برخی از حقوقدانان معتقدند برای تحقق جرم موضوع این ماده، مرتکبین باید حداقل سه نفر باشند که یک نفر از آنها سردسته باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۵۹) و سردستگی هم به موجب تبصره دو ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، عبارت است از «تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه». بنابراین، با این برداشت از قانون، حداقل یکی از سه نفری که برای ارتکاب جرم علیه نظام صادراتی اجتماع می‌کنند، باید سردستگی داشته باشد.

گرچه، به طور معمول، هر گروه، از جمله گروه‌های مجرمانه، روابط تشکیلاتی و سلسله‌مراتبی با یکدیگر دارند. بالاخص در باندهای سازمان‌یافته اقتصادی این‌گونه است، اما از متن ماده صدرالاشاره در تعریف گروه مجرمانه، الزامی به این امر که یکی از اعضا سردسته باشد، وجود ندارد و در عمل هم خلاف آن تصورشدنی است. برخی از شرکای تجاری به صورت توافقی و براساس تقسیم کار و کاملاً سازمان‌یافته، اقدامات مجرمانه خود را به انجام می‌رسانند که لزوماً بین آنها رابطه رئیس و مرئوسی وجود ندارد. گروه‌های مجرمانه خانوادگی، که مشارکت بین اعضای یک خانواده وجود دارد، از این قبیل می‌باشند.

۲) رفتار مادی مجرمانه: این بند نیز مانند عمده جرائم موضوع این قانون، به صورت تمثیلی، با قید «به هر صورت، از قبیل»، برخی از رفتارهایی را که ممکن است به اخلال در نظام صادراتی کشور منجر شود، بیان کرده است. بنابراین، در زمینه جرائم ارزی منجر به اخلال در نظام صادراتی هم مصداق مطرح شده در متن ماده حصری نیست و ارتکاب این جرم از طریق دیگر مصادیق جرائم ارزی هم تصورشدنی است. به‌عنوان مثال، در یک پرونده کیفری، متهمان با ایجاد چند شرکت وابسته به خود در برخی از کشورهای منطقه، توانسته بودند صادرات یکی از صنایع تولید داخل را به صورت انحصاری در اختیار خود بگیرند و به همین واسطه، تعیین نرخ صادراتی این محصول، کمتر از قیمت کارشناسی و واقعی محصول در کشورهای منطقه توسط آنها صورت می‌گرفت. بنابراین، در این موضوع اخلال در نظام صادراتی از طریق تقلب در نرخ‌گذاری ارزی کالای صادراتی صورت می‌گرفت.



اما این بند از ماده یک قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور با دیگر بندها، یک تفاوت عمده دارد. مشابه رویکردی که قانون‌گذار در بند «د» ماده یک همین قانون درباره قاچاق میراث فرهنگی اتخاذ کرده، در خصوص ارتکاب اقدامات به منظور اخلال در نظام صادراتی کشور هم، این رفتارها را مقید به نتیجه نکرده است. از این رو، برعکس بند «الف» این ماده، تحقق این جرم به «ایجاد اخلال در نظام صادراتی» منوط نیست و کافی است که رفتارهای ارتكابی به منظور ایجاد اخلال بوده باشد.

۳) قصد خاص: اقدامات ارتكابی متهمان باید به منظور اخلال در نظام صادراتی کشور صورت گرفته باشد؛ در غیر این صورت، نمی‌تواند مصداق این ماده باشد.

ج. افساد فی الارض با ارتکاب جرائم ارزی

یکی از موضوعات حائز اهمیت در زمینه جرائم ارزی، ماهیت این نوع از جرائم است. همان‌گونه که پیش از این به تفصیل بحث شد، این نوع از جرائم، در شرایطی خاص، یکی از مصادیق جرائم حدی می‌باشند و قانون‌گذار، اعمال ارتكابی متهم را مصداق افساد فی الارض دانسته و وی را مستحق اعدام می‌داند. بی‌شک، مهمترین جرم ارزی که سنگین‌ترین مجازات در سیاست کیفری ایران و اسلام را دارد، همین شق اخیر است.

آنچه که باید کانون توجه قرار بگیرد، این است که تغییر ماهیت این نوع از جرائم در سیاست جنایی تقنینی ایران، با احراز سوءنیت خاص مورد نظر قانون‌گذار، واقع می‌شود. در مواد قانونی مرتبط، با واژگان گوناگون، ارتکاب یکی از جرائم ارزی با داشتن قصد تقابل با نظام جمهوری اسلامی ایران یا ارکان آن از جمله نظام اقتصادی کشور به‌عنوان یکی از مصادیق محاربه یا افساد فی الارض جرم‌انگاری گردیده است. در واقع، تنها تفاوت این دسته از جرائم با مصادیق تعزیری آنها، در عنصر معنوی جرم است؛ یعنی تصورشدنی است که دو جرم از حیث عنصر مادی کاملاً مشابه باشند، ولی یکی به دلیل سوءنیت خاص «برهم زدن امنیت اقتصادی کشور»، مصداق افساد فی الارض باشد و دیگری به دلیل عدم احراز قصد خاص مدنظر مقنن، مصداق یک جرم ارزی تعزیری باشد.

قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای نخستین بار یک رفتار مادی مستقل را، بدون آنکه مشروط به احراز قصد خاص باشد، به‌عنوان جرم ارزی علیه امنیت سیاسی و اقتصادی کشور و مصداق یک جرم حدی امنیتی جرم‌انگاری کرد.

ناگفته نماند که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ نیز در مقام بیان مصادیق جرم افساد فی الارض، «اخلال در نظام اقتصادی کشور» مورد تصریح قرار



گرفت و در تبصره همین ماده، افزون بر اینکه احراز قصد خاص «اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده» برای اثبات افساد فی الارض شرط شد، «گسترده‌گی» جرم نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های عنصر مادی جرم بیان گردید.

اما نکته مهمی که تا پیش از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی و ابلاغ آن در سال ۱۳۹۲ همواره محل مناقشه بوده، این است که قانون‌گذار در بیان حکم مرتکبین جرائم ارزی مقرر در برخی از قوانین مربوط، از جمله ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ یا ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، به صورتی کاملاً مبهم، فعل ارتكابی را به صورت توأمان مشمول مجازات «محاربه» یا «افساد فی الارض» دانسته است. این در حالی است که باتوجه به وجود تفاوت در مجازات «محارب» و «مفسد فی الارض»، مشخص نشده است که در چه صورتی فرد به‌عنوان محارب شناخته می‌شود و در چه صورتی به‌عنوان مفسد فی الارض.

پیش از این، گروهی نسبت بین این دو مفهوم را عموم و خصوص مطلق می‌دانستند؛ یعنی بر این باور بودند که هر محاربی مفسد فی الارض نیز هست. اما نگاه دیگر این بود که هر دو، یک فعل هستند و تفاوتی بین اینها وجود ندارد (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۶).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز در مواد ۱۹۰ و ۱۹۵ در مقام بیان حد، بین محاربه و افساد فی الارض تفاوتی قائل نبود و در برخی مواد قانونی، مشابه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۵۲۶ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، نیز این دو مفهوم در کنار یکدیگر آمده است، ولی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار به صراحت مفهوم محاربه و مصادیق آن را در فصل هشتم تعریف کرده و در ماده ۲۸۲ حد محاربه را یکی از چهار مجازات زیر می‌داند:

۱. اعدام؛

۲. صلب؛

۳. قطع دست راست و پای چپ؛

۴. نفی بلد.

و بلافاصله در ماده ۲۸۳ این قانون، انتخاب هریک از مجازات‌های چهارگانه را در اختیار قاضی قرار می‌دهد. این در حالی است که افساد فی الارض، به‌طور مستقل، در فصل نهم و در ماده ۲۸۶ تعریف شده و مجازات آن مشخصاً اعدام است. بنابراین، فارغ از مشابهت در ماهیت حدی دو جرم «محاربه» و «افساد فی الارض»، آنچه که



هم‌اکنون براساس قانون مجازات اسلامی محل هیچ‌گونه مناقشه‌ای نیست، متفاوت بودن مجازات‌های این دو جرم است.

اما به نظر می‌رسد که ابهام یادشده را این‌گونه می‌توان رفع کرد که باوجود اینکه قانون‌گذار در برخی قوانین، فرض شمول عنوان محاربه را درباره برخی مصادیق جرائم اقتصادی تصوّرشدنی دانسته است، اما با توجه به تعریف صریح ارائه شده از دو عنوان مجرمانه «محاربه» و «افساد فی‌الارض» در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، تمام جرائم اقتصادی مدنظر قانون‌گذار در صورت احراز دیگر شرایط قانونی، فقط می‌توانند مصداق «افساد فی‌الارض»^۱ باشند و امکان تطبیق جرائم اقتصادی با تعریف ارائه شده از «محاربه»^۲ وجود ندارد!

۱. افساد فی‌الارض با اخلال در نظام ارزی

براساس ماده دو قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، چنانچه هریک از اعمال یادشده در بندهای ماده یک این قانون، «به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد افساد فی‌الارض باشد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.»

صدر این ماده، عنصر معنوی خاص را افزون بر قصد عام مرتکب، برای تحقق جرم افساد فی‌الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور، مدنظر قرار داده است، ولی در بخش اخیر ماده، مقید شده است به «چنانچه در حد افساد فی‌الارض باشد» یعنی براساس نص صریح ماده، حتی داشتن قصد خاص «مقابله با نظام یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام»، برای اثبات افساد فی‌الارض کافی نیست، بلکه باید مرجع صدور رأی اولاً، براساس شرط مندرج در تبصره یک ماده دو این قانون و صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «عمده یا کلان یا فراوان بودن و گستردگی» را درباره مجموعه اقدامات ارتكابی متهم و میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر اثبات کند؛ ثانیاً، از مجموع شواهد و قرائن و ادله موجود در پرونده، «قصد خاص» پیش‌گفته را احراز نماید؛ ثالثاً، مجموعه اقدامات ارتكابی با قصد خاص را در حد افساد فی‌الارض بداند. این در حالی است که تا سال ۱۳۹۲، افساد فی‌الارض در هیچ‌کدام از

۱. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرکس به‌طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور و ... گردد مقصد فی‌الارض محسوب شده و به اعدام محکوم میشود.»

۲. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست، بهنجویکه موجب ناامنی در محیط گردد ...»



قوانین تعریف قانونی نداشت، گرچه استنباط بیشتر حقوقدانان از مراد مقنن و رویه قضای در سال‌های گذشته بر این بود که با احراز قصد خاص، حکم به افساد فی‌الارض می‌دادند؛ هرچند به نظر می‌رسد، براساس قاعده «درأ»^۱ و اصل «تفسیر به نفع متهم»، این برداشت از قانون غلط بود. با این حال، با تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، مشکل عنصر قانونی جرم افساد فی‌الارض و تعریف آن حل شد و هم‌اکنون، به استناد این قانون، در جرائم ارزی منجر به اخلاف در نظام ارزی یا صادراتی کشور، در صورت گستردگی اقدامات اخلاف‌گرانه متهم و تحقق نتیجه و همچنین، احراز قصد خاص مدنظر قانون‌گذار، جرم افساد فی‌الارض محقق می‌باشد.

۲. افساد فی‌الارض با قاچاق ارز

براساس قانون مجازات اخلاف‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، یکی از شقوق جرم اخلاف در نظام اقتصادی کشور، اخلاف در نظام ارزی از طریق قاچاق عمده ارز است. قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ همین موضوع را، به‌طور مستقل، جرم‌انگاری کرد و در ماده ۳۰ بیان داشت: «در صورتیکه ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی یا سازمان‌یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و به اخلاف گسترده در نظام اقتصادی کشور منجر شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلاف‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود.»

بنابراین، یکی از مصادیق تصورشدنی از جرم افساد فی‌الارض، به قاچاق ارز مربوط می‌شود. براساس این ماده قانونی، عنصر مادی جرم افساد فی‌الارض با قاچاق ارز، همان قاچاق ارز است؛ لکن، باید منتج به نتیجه «اخلاف» هم شده باشد و دارای قصد خاص «مقابله با نظام هم باشد»، ولی آنچه درباره این ماده قانونی قابل بیان است اینکه در عمل این ماده هیچ جرم‌انگاری جدیدی نداشته و تمام مصادیق مدنظر مقنن در این ماده، پیش از این در بند الف ماده یک قانون مجازات اخلاف‌گران در نظام اقتصادی، جرم‌انگاری شده بود.

۳. افساد فی الارض از طریق سوءاستفاده از عواید حاصل از قاچاق ارز به منظور تأمین مالی تروریسم در سال ۱۳۹۲ قانون گذار با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای نخستین بار در ماده ۳۱ این قانون، مقرر نمود: «در صورتیکه احراز شود مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرائم را، مستقیم یا غیرمستقیم، برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه کرده اند، افزون بر مجازات‌های مقرر در این قانون، حسب مورد، به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.»

درواقع، به موجب این قانون، چنانچه رفتار مادی حمایت مالی از گروه‌های تروریستی و معاندین نظام سیاسی کشور، با استفاده از عواید حاصل از قاچاق ارز، صورت بگیرد، بدون مشروط بودن آن به احراز قصد خاص، به عنوان مصداق یک جرم حدی امنیتی، فرد به عنوان محارب یا مفسد فی الارض شناخته می‌شود. درباره این ماده قانونی چند نکته گفتنی است:

الف) جرم قاچاق ارز، جرم مستقلی است که به موجب دیگر مواد همین قانون، نوع و میزان مجازات فرد تعیین خواهد شد؛

ب) عواید حاصل از قاچاق ارز، که ممکن است به صورت ارزی باشد یا به هر نوع ارز یا پول یا کالایی تبدیل شده باشد، باید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، توسط خود فرد قاچاقچی برای حمایت مالی از گروه‌های تروریستی و معاندین نظام سیاسی کشور اختصاص یافته یا هزینه شده باشد و این بدان معناست که اگر حامی مالی گروه‌های یادشده، خودش مرتکب قاچاق ارز نباشد، مشمول این ماده نخواهد بود.

ج) باتوجه به استفاده قانون گذار از دو لفظ مجزای «اختصاص» و «هزینه»، به نظر می‌رسد که مقنن، به این موضوع توجه داشته است که ممکن است متهم به هرنحوی، بخشی از عواید حاصل از قاچاق را به این موضوع اختصاص داده، ولی هنوز به دست گروه‌های یادشده در ماده نرسیده باشد. مثل اینکه فرد قاچاقچی، یک حساب بانکی به نام خود در بانک را به مثابه یک حساب پس انداز اختصاص داده است برای واریز کمک‌های مالی خود به گروهک تروریستی داعش و مبالغی نیز در آن واریز کرده و درصدد است در فرصتی شایسته پس از اینکه این مبالغ به میزان خاصی رسید، به شماره حسابی که رابط گروهک معرفی خواهد کرد، واریز نماید. بنابراین، به نظر می‌رسد باتوجه به لفظ



«اختصاص داده» در انتهای ماده مصادیقی، از جمله مثال یادشده، هم مشمول حکم ماده است.

د) قانون‌گذار در بیان حکم مرتکبین جرم مقرر در این ماده، اعلام کرده است که «حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد» این در حالی است که باتوجه به وجود تفاوت در مجازات «محارب» و «مفسد فی الارض»، مشخص نشده است که در چه صورتی فرد به‌عنوان محارب شناخته می‌شود و در چه صورتی به‌عنوان مفسد فی الارض.

اما همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد، نگارنده معتقد است باتوجه به تصریح قانون‌گذار در تعریف ارائه شده از عنوان مجرمانه «افساد فی الارض» در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، این نوع از جرائم فقط می‌توانند مصداق «افساد فی الارض» باشند و امکان تطبیق مصادیق یادشده با «محاربه» وجود ندارد.

۴. افساد فی الارض با جعل ارز و واردات ارز جعلی

همانگونه که پیش از این نیز بیان شد، یکی دیگر از شقوق جرائم ارزی، که می‌تواند مصداق افساد فی الارض شناخته شود، جعل ارز و واردات ارز جعلی به داخل کشور است که اگر به موجب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی باشد یا با علم به مجعول بودن مورد استفاده قرار گیرد، چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود، به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود.

مطالب مطرح‌شده درباره این ماده، اعم از عنصر معنوی و قصد خاص و مباحث مربوط به تفاوت محاربه و افساد فی الارض، همانی است که پیش از این بیان شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری ایران در قبال جرائم ارزی، هیچ قانون جامعی دربارهٔ ارز و پیشگیری و مقابله با جرائم ارزی وجود نداشته است. بنابراین، حتی‌الامکان باید مصادیق رفتارهای مجرمانه‌ای که می‌تواند امنیت ارزی کشور را به مخاطره دچار کند، شناسایی و به‌طور مشخص در قوانین جرم‌انگاری شوند، ولی از آنجاکه امکان احصای همهٔ مصادیق وجود ندارد و برخی از مصادیق، حسب شرایط زمان و مکان، ایجاد می‌شود؛ بنابراین، بهتر آن است که قانون‌گذار براساس ملاک و معیار مشخص، جرم‌انگاری کند. ملاحظهٔ اصلی این نوع جرم‌انگاری آن است که مشابه آنچه که در قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور وجود دارد، نباید ملاک‌های مدنظر قانون‌گذار، مفاهیمی مبهم و کلی و تفسیرپذیر باشند؛ چراکه مفهوم «اخلال»، مفهوم کلی و مبهمی است که قابل تفسیر و انتساب به مصادیق متعددی است که بیان مصادیق به صورت تمثیلی ضمن این مفهوم کلی، می‌تواند به تضییع حقوق مردم منجر شود و اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به سمت قضایی کردن آن سوق دهد. حال آنکه، در مقابل مفهوم مبهم اخلال، مفاهیمی مثل افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی، کاهش ذخیرهٔ ارزی کشور و ... مفاهیم مشخصی هستند که رفتار منجر به این نتیجه، برای مخاطبان قانون قابلیت شناسایی دارد.

جرم‌انگاری «نتیجه»، از همین قبیل است. به‌عنوان مثال، باید در قانون بیان شود: «عدم واردات کالا به میزان و نرخ مقرر در ازای ارز دریافتی به هر طریق ممکن.»

براساس قانون پولی بانکی کشور، تعیین، نظارت و اجرای سیاست‌های ارزی کشور در چهارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار، که نهادی فراقوه‌ای است، معتبر می‌باشد. باین‌حال، ضروری است با اصلاح در این قانون، به لزوم پیروی بانک مرکزی از شورای پول و اعتبار در تصویب سیاست‌های کلان ارزی کشور و نظارت این شورا در اجرای بهینهٔ سیاست‌های ابلاغی خود تصریح شود و امکان دخالت دولت در بانک مرکزی، با اغراض سیاسی، در قبال سیاست‌های ارزی کشور به حداقل ممکن برسد.

کتابنامه

- آذری، مصطفی (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی (مجموعه مقالات)، ج ۱، مؤسسه تدبیر اقتصاد.
- اصغرزاده بناب، مصطفی (۱۳۹۱)، مجموعه محشای آرای وحدت رویه جزایی، تهران، مجد.
- برنجی اردستانی، مرجان (۱۳۸۹ پاییز). «آثار امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ایران و امریکا»، نظم و امنیت انتظامی، ش ۱۱.
- برومند، شهرزاد و همکاران (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- جامسوز، محمود (۱۳۸۴). «ایرادات حقوقی بر قانون مجازات اخلاص گران اقتصادی»، صدای عدالت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶). ترمینولوژی حقوق، تهران، ابن سینا.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). اقتصاد، امنیت و تبیین ناامنی اقتصادی (مجموعه مقالات امنیت اقتصادی)، مؤسسه تدبیر اقتصاد، تهران.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۰). بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، کیهان.
- ----- (۱۳۷۹). محاربه در حقوق کیفری ایران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- حسینی، میرحسین (۱۳۸۷). حمایت کیفری قانون‌گذار از نظام پولی و ارزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه قم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵ ق). الرسائل، اسماعیلیان.
- دانشور ثانی، رضا (شهریور ۸۲). جرائم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- رحمدل، منصور (۱۳۷۴). «قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با تکیه بر مصوبه نیمسال دوم ۱۳۸۵ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام»، پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۰.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۹). سیاست‌های ارزی، تهران، پژوهشکده بانک مرکزی.
- روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۵). ارزیابی مداخله کیفری در حوزه اخلاص در نظام اقتصادی کشور، دانشگاه تربیت مدرس.
- روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸). «ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرائم اقتصادی»، کارآگاه، ش ۷.
- زمانی فراهانی، مجتبی (پاییز ۱۳۷۲). پول ارز و بانکداری، مؤلف.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۰). حقوق کیفری اقتصادی، جنگل.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۸). اسلام و مکتب‌های اقتصادی، ترجمه محمد نبی‌زاده، قم، مجمع ذخائر اسلامی.

- صفرپور، فتاح (۱۳۹۰-۱۳۹۱). تحلیل فقهی حقوقی افساد فی الارض در جرائم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.
- عازمی‌صمیمی، رحمان (۱۳۷۴). بررسی جرائم ارزی در قوانین و مقررات ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عزتی، مرتضی و محمدعلی دهقان (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران، تهران، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
- فرجی، یوسف (۱۳۷۷). پول، ارز و بانکداری، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- فرهمند، محمدرضا (۱۳۸۶). تخلفات ارزی در قوانین موضوعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه تهران.
- فرهندی، علی (۱۳۶۸). ارزیابی سیاست ارزی در ایران، دانشگاه تهران.
- کریمی، مهدی (تابستان ۱۳۸۵). رویکرد حقوق جزا نسبت به اخلاص در نظام اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه قم.
- کفشگر جلودار، حسین (۱۳۹۳). «امنیت اقتصادی»، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام.
- کمیجانی، اکبر (۱۳۷۳). «فرار سرمایه، علل و آثار آن»، تهران، مجله اقتصادی.
- کوثری، شهریار. مجموعه قوانین بانکی ارزی و ریالی، تهران، امیرکبیر.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳). محشای قانون مجازات اسلامی، مجد.
- لائوژی، ژوزف (۱۳۵۵). نظام‌های اقتصادی، ترجمه جهانگیر افکاری، دانشگاه تهران.
- محمدی، طه (۱۳۷۹). تحلیل فقهی - حقوقی جرم محاربه و افساد فی الارض، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مریدی، سیاوش (۱۳۷۳). «سیاست قیمت‌گذاری ابزار توسعه نگاهی به تجربه ایران»، اقتصاد کشاورزی و توسعه.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در جرائم اقتصادی، جاودانه.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۰). جرائم علیه اموال و مالکیت، میزان.
- ——— (۱۳۸۲). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان.
- نعناکار، مهدی (۱۳۷۲). افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، مرسل.
- نمازی، حسین (۱۳۸۲). نظام‌های اقتصادی، شرکت سهامی انتشار.
- نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹). جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، جنگل جاودانه.
- هاشمی، سیدحسن (مهر ۱۳۷۸). حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه تهران پردیس قم.



-همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳). فساد مالی: علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

-ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی، میزان.

-ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳). جرائم علیه امنیت اقتصادی، جنگل.

<http://www.tahoor.com>

<http://dl.nlai.ir/UI/Forms/Index.aspx>

www.Ghavanin.net

www.ghest.ir

www.law.com

www.majlis.ir

www.maslehat.ir

www.noormags.com

www.rooznamehrasmi.ir

www.transparency.org

www.undp.org

www.unodc.org

